

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۳۰ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

فرهنگ تملق و تداوم استبداد

برخی از نابسامانی‌های افغانستان ریشه در آفات فرهنگی دارد. یکی از این آفات که عمری دراز دارد فرهنگ تملق و چاپلوسی است. شماری از انسان‌هایی که به خود ارزش قایل نیستند در ملأ عام به تعریف و تمجید از صاحبان زور و زر می‌پردازند تا توجه آنان را جلب کنند و از این راه به نان و نوائی برسند، هرچند که جامعه گرفتار انواع مصایب و بلاها باشد. نمونه‌های مختلفی از این عمل شرم‌آور را همه به چشم سر دیده‌ایم و امروزه که وسایل اطلاع‌رسانی جمعی و شبکه‌های اجتماعی کاربرد گسترده‌ای دارند، نمونه‌های بیش‌تری را می‌بینیم. یکی از شایع‌ترین نمونه‌های چاپلوسی این است که به محض تعیین یک شخص در منصبی دولتی، پیام‌های تبریک سرازیر و از تقرر شایسته او تمجید می‌شود. شماری دیگر یکجا شده و ضمن رفتن به تبریکی، به شانه‌های فرد نوتقرر چین می‌اندازند. شماری نیز با آن مقام دولتی عکس می‌گیرند و در صفحات اجتماعی نشر می‌کنند، حتی اگر در سابقه آن شخص اختطاف و جنایت یا عضویت در گروهی تروریستی وجود داشته باشد.

اولین پرسشی که از این چاپلوسان باید پرسید این است که تقرر در یک منصب دولتی چرا تبریکی داشته باشد. تبریکی در جایی است که کسی دستاورد ارزشمند و موفقیت چشمگیری داشته و کاری ماندگار کرده است. این شخص که به این منصب رسیده است، حتی اگر بر اساس لیاقت علمی و تجربه غنی مسلکی رسیده باشد هنوز در این منصب کاری نکرده است که باید به او تبریک گفت. تنها زمانی او شایسته تبریک گفتن است که آن وظیفه را با موفقیتی ستودنی به پایان رسانده و کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشته باشد. رفتارهای متملقانه سبب تغییر روحیه مسؤولان دولتی می‌شود و باوری کاذب در آنان خلق می‌کند که گویا آنان بنا به شایستگی‌های خاص خود در این مقام قرار گرفته‌اند. این سبب می‌شود تا مسؤولان به تقویت مهارت‌ها و توانائی‌های خود نپردازند و افزون بر آن با زیردستان و مراجعان‌شان رفتاری

فرعونی در پیش بگیرند. این امر به مرور زمان به تولید دیکتاتوران کوچک و متکبری می انجامد که بی هیچ دستاوردی فخر بفروشدند و کبر بورزند.

در طرف دیگر، شهروندانی که شاهد چنین رفتارهای متملقانه‌ای هستند و اعتراضی بر این اعمال غیر اخلاقی نمی‌بینند، به رابطه‌ای بیمار میان صاحبان مناصب دولتی و شهروندان عادی خو کرده و آن را وضعیتی نرمال می‌پندارند. نرمال‌سازی شر بدتر از خود شر است و پیامدهای بسیار زیانبارتر دارد. در سایر دنیا، به ویژه در کشورهای پیش رفته، این ذهنیت نهادینه شده است که کارمندان، حتی در سطح وزیران، مزدوران مردمند که با پول آنان به این مقام رسیده و موظفند بهترین خدمات را ارائه کنند. آنان باید در برابر هر پرسشی پاسخگو و در برابر هر خطائی مسؤلیت‌پذیر باشند. از این جهت، بسیار عادی است که مردم شاهد سوار شدن یک مقام بلندپایه دولتی در وسایطه نقلیه عمومی مانند قطار و مترو باشند بدون این‌که کسی جای خود را برای‌شان خالی کند یا کسی حتی اعتنای خاصی به حضورشان در آن‌جا داشته باشد.

تا زمانی که مداحان به نقد گرفته نشوند و تملق به عنوان ردیلتی شرم‌آور معرفی نگردد و چاپلوسان مایه سرافکنندگی شناخته نشوند، پایه‌های استبداد و خودکامگی سست نخواهد شد و مردم از بردگی و زبونی رهائی نخواهند یافت. این فرهنگ را باید لای‌روبی کرد و نگذاشت که ذلت، ستم‌پذیری و برده‌خوئی در ذهن و روان همه نهادینه شود. باید فرهنگی را شکل داد که انسان‌های آزاده و سربلند از دامان آن برخیزند و جلو هر گونه ستم و استبداد را بگیرند. انسان‌های متملق و برده‌صفت سبب پیدایش و پرورش مستبدان اند.